



دوره مقدماتی حقوق مدنی

اعمال حقوقی

۱۹۳۱۹۷۳

سرارادو - ایقاع

ویرایش جدید

دکتر ناصر کاتوزیان



انتشارات گنج دانش

کاتوزیان، ناصر ۱۳۰۶-۱۳۹۳.
ایران. قوانین و احکام
Iran. Laws, etc

دوره مقدماتی حقوق مدنی: اعمال حقوقی، قرارداد - ایقاع / ناصر کاتوزیان.

: [ویراست؟]

تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۷ -

٥١٢: ص.

978 - 600 - 6244 - 71 - 6 :

فيا :

Nasser Katouzian. Elementary courses of : ص. ۶. به انگلیسی :

Iranian civil law. Juristic acts contracts, unilateral acts.

: کتابنامہ بہ صورت زیر نویس۔

: نمايه.

: حقوق مدنی -- ایران.

Civil rights - - Iran :

عقود و ابقاعات (فقہ) - - ایران

Contracts (Islamic law) - - Iran :

КМН 500 / 520 1391

444/1

11/11/11



انتشارات گنج دانش

تهران: خیابان باب‌همایون، شماره ۳۶، تلفن ۱۰۵۰۰ ۳۲

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، شماره ۳۱۴ تلفن ۶۶۹۱۰۶

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، شهدای ژاندارمری، شماره ۶۶۴۸۵۰۴۸، تلفن

آدرس وبسایت: www.ganjedanesh.com

دوره مقدماتی حقوق مدنی

اعمال حقوقی

قرارداد - ایقاع

دکتر ناصر کاتوزیان

چاپ سوم گنج دانش - ۱۳۹۷

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

لیتوگرافی ترنج رایانه - چاپ بهدیس - صحافی کیمیا

شایک : 6 - 71 - 6244 - 600 - 978

قیمت با جلد شومیز: ۲۴۰۰۰ تومان

فهرست عنوان‌های اصلی

۷	سرآغاز
۱۵	مقدمه: اسباب ایجاد تعهد (ش ۱ تا ۷)
۲۳	اعمال حقوقی (ش ۸ تا ۱۱)
	دفتر نخست
	قواعد عمومی قرارداد
۲۹	فصل اول: مفهوم و اقسام عقد
۳۰	مبحث اول - تعریف عقد (ش ۱۴ تا ۱۸)
۳۴	مبحث دوم - اقسام عقد (ش ۱۹ تا ۴۷)
۵۳	فصل دوم: انعقاد و اعتبار عقد
۵۵	مبحث اول - تراضی (ش ۵۱ تا ۱۰۵)
۱۱۱	مبحث دوم - اهلیت و اختیار دو طرف (ش ۱۰۶ تا ۱۲۸)
۱۳۱	مبحث سوم - مورد معامله (ش ۱۲۹ تا ۱۴۲)
۱۳۸	مبحث چهارم - جهت معامله (ش ۱۴۳ تا ۱۶۱)

۱۵۹	فصل سوم: اثر قرارداد
۱۵۹	مبحث اول - اثر عقد نسبت به دو طرف آن (ش ۱۶۳ تا ۱۷۱)
۱۷۲	مبحث دوم - اثر عقد نسبت به اشخاص ثالث (ش ۱۷۲ تا ۲۰۸)
۲۰۱	فصل چهارم: اجرای عقد - مسؤولیت قراردادی
۲۰۲	مبحث اول - اجرای مفاد عقد (ش ۲۱۰ تا ۲۵۹)
۲۵۶	مبحث دوم - عهد شکنی و نتیجه آن - مسؤولیت قراردادی (ش ۲۶۰ تا ۲۹۱)

۲۸۱	فصل پنجم: شروط ضمن عقد
۲۸۱	مبحث اول - مفهوم و ماهیت حقوقی (ش ۲۹۳ تا ۲۹۷)
۲۸۶	مبحث دوم - اقسام و صحت (ش ۲۹۸ تا ۳۰۷)
۲۹۶	مبحث سوم - اجراء شرط و نتیجه تخلف از آن (ش ۳۰۸ تا ۳۱۸)

۳۰۹	فصل ششم: انحلال قرارداد
۳۱۲	مبحث اول - اقاله یا فسخ (ش ۳۲۲ تا ۳۳۶)
۳۲۶	مبحث دوم - انحلال اراده یا وضع قرارداد: اختیارات (ش ۳۳۷ تا ۴۲۹)
۴۱۸	مبحث سوم - انحلال قهری یا فسخ (ش ۴۳۰ تا ۴۴۵)

دفتر ایقاع

۴۳۷	فصل اول: قواعد عمومی
۴۳۸	مبحث اول - تعریف و ماهیت ايقاع (ش ۴۴۶ تا ۴۴۹)
۴۴۲	مبحث دوم - قلمرو ايقاع: حکومت اراده (ش ۴۵۰ تا ۴۵۹)
۴۵۰	مبحث سوم - شرایط صحت ايقاع (ش ۴۶۰ تا ۴۶۹)
۴۵۶	مبحث چهارم - آثار ايقاع (ش ۴۷۰ تا ۴۷۲)

۴۵۹	فصل دوم: ايقاع معین - ابراء
۴۶۰	مبحث اول - مفهوم و ماهیت ابراء (ش ۴۷۵ تا ۴۷۸)
۴۶۵	مبحث دوم - شرایط وقوع و اثبات ابراء (ش ۴۷۹ تا ۴۸۷)
۴۷۲	مبحث سوم - آثار ابراء (ش ۴۸۸ تا ۴۹۰)



به خلعت و لطف توان کرد صید اهل نظر
به بند و دام نگیرند مرغ دانا را

سرآغاز

اگر هدف از تألیف کتاب حقوقی نشر فرهنگ دانشگاهی و نظم باشد، بی‌گمان تعلیم دانشجویان از لوازم حرکت به سوی این هدف است. راهنمایی به قضایی و کارگشایی از وکلا و مشاوران حقوقی، کاری درخور ستایش است، ولی اگر همراه با سرمایه‌گذاری در دن جوانانی نباشد که به تازگی سالک راه شده‌اند، به کاروانی بی‌پشتوانه و مجهز و مجهله باید گام نخستین نوپایان را استوار کرد و به کاروانیانی که توشه‌ای جز عشق ندارند یاری داد، به گونه‌ای که قافله سالاری بزرگ شوند و به هدایت دیگران پردازند.

کتاب درس نخستین سنگ بنای دیواری است که، اگر معمار کج نهاد تا آریا به کوی می‌رود و اصلاح آن سخت دشوار و گاه ناممکن است، پس نباید آن را ساده انگاشت. مسیر رشتن کتاب در هر زمینه قواعد ویژه خود را دارد؛ هنری است که باید اساس آن را آموخت و آموختن با رنگی از ذوق و ابتکارهای شخصی ارائه داد. در این مقدمه، ویژگی‌های چنین کتابی را نمی‌توان با دقت برشمرد، ولی چند وصف ضروری را باید یادآوری کرد:

۱. روانی عبارت و روشنی مفهوم شرط نخستین این‌گونه کتاب‌ها است. ذهن روشن جوان تاب تحمل تردیدهای فکری و بازی با الفاظ و توقف و سرگردانی را ندارد. برای هر مشکل پاسخی قانع‌کننده و قاطع می‌خواهد و مایل است آن را در زندگی اجتماعی خود کارا و نافذ ببیند. رنج بزرگی است که انسان اطلاعاتی را که به سالیانی از عمر فراگرفته کهنه و بی‌حاصل بباید. فایده اندک نمره گرفتن و داشتن درجه تحصیلی ممکن است دانشجوی را تا مدتی خوشنود

سازد، ولی به زودی دلزدگی و نومیدی این لذت نخستین را نیز از یاد می برد و آنچه به جای می ماند حسرت از دست دادن فرصت های دیگر زندگی و بی اعتقادی به تحصیل در دانشگاه و رشته انتخابی اوست.

۲. اگر کتاب درس نتواند حس کنجکاری دانشجویان را برانگیزد و او را به ساده اندیشی وادارد، انسانی است خطرناک که به زودی فراموش هم می شود. کتاب به ظاهر ساده درس باید دورنمایی از دریای بی کران دشواری های علم را به دست دهد و شاگردان را بدین خیال خام نیندازد که آنچه دست در آن اوراق آمده و از مطالعه بیشتر یا تأمل در درستی راه حل ها بی نیازشان کرده است.

۳. نظم منطقی مطالب طرح شده یکی دیگر از شرایط کتابی آموزنده و مفید است: باید به دانشجو کمک کرد تا در فروع پراکنده را در ذهن دسته بندی کند و از آن قاعده بسازد، زیرا تنها در این صورت است که او بتواند اجرای احکام جزئی را در موارد مشابه پیدا می کند. همچنین، باید به او آموخت که چگونه باید مصداق های قاعده ای را یافت. بیشتر دانشجویان، حتی در دوره های عالی از ارائه تحفاتی منظم عاجزند؛ چنانچه از داده های علم را گرد هم می آورند، ولی نمی توانند آن ها را ترکیب کنند و به نظم کشند. گاه همین تألیف منطقی را چنان دشوار و دور از دسترس می بینند که از نوشتن رساله می گردانند. تحلیل را نیمه تمام رها می سازند. آمار دانشجویان دوره دکتری که دروس نظری خود را با موفقیت به پایان رسانده اند نشان می دهد که جز اندکی به نوشتن رساله پایانی کار خود نپرداخته اند: یعنی، تا آنجا که باید بیاموزند و حفظ کنند و گردآورند به پیش رفته اند و از آنجا که پای تألیف و ترکیب در سر در ناشناخته ها و کشف مجهول ها آغاز شده است وامانده اند. هیچ از خود پرسیده اید چرا؟

این نقص طبیعی و فطری نیست؛ دلایل گوناگون دارد که مهم ترین آن ها کمی تجربه و نداشتن نمونه هایی آموزنده در پیش رو است: بسیاری از استادان دانشجویان خود را وادار به تحقیق نمی کنند؛ می خواهند همه چیز را خود بگویند و جمع یو را به دنبال کشند و مقلد سازند؛ مسئله گویانی که می دانند چگونه فراگیرند ولی نیاموخته اند که چگونه بسازند؛ درحالی که، شیوه مطلوب این است که مراحل گوناگون تحلیل و ترکیب داده ها در کلاس مطرح شود و استاد دانشجویان را راهنمایی کند که خود بدین کار دست زنند؛ مسئله را به گونه ای مجرد و کلی رها نسازند، اجزاء ساده آن را بیابند و پس از یافتن راه حل آن اجزاء ساده، خود به ترکیب پردازند و به نتیجه مطلوب رسند.

شما اگر بخواهید راز گردش منظم عقربه های ساعت را از دستگاه آن چنان که هست بفهمید، به دشواری به آن دست می یابید و چه بسا نومید شوید. ولی، هرگاه ساعت را باز و پیاده کنید و به مطالعه ساختار درون آن بپردازید، به اندک تأمل به چند قاعده مکانیکی ساده می رسید که فهم

هر کدام آسان است. تنها مشکل حل‌شدنی و در دسترس راه‌یابی به چگونگی ارتباط این قواعد است. به بیان دیگر، در این ترکیب است که، هر چند ارکان آن‌گونه گون‌گون تر باشد، قواعد پیچیده‌تر می‌شود و حل‌ناشدنی می‌نماید.

در حقوق نیز همین حقیقت حکمفرما است. تمام قواعد پیچیده و نامفهومی که در قوانین دیده می‌شود، درواقع ترکیبی از چند قاعده عرفی و تاریخی ساده است. هنر حقوق‌دان در این است که ارکان موضوع را تمیز دهد و آن را به عناصر جزئی‌تر تحلیل کند، سپس اثر ترکیب آن قواعد جزئی و ... ده‌ت را باز نماید؛ برای مثال، در قانون می‌خوانیم که: «تلف مبیع پیش از قبض باعث انفساخ عقد است» (ماده ۳۸۷ ق.م.ا). این ترکیب باعث شگفتی است. چرا باید تلف کالایی که فروخته شده و اکنون به او باز برین رفته است انفساخ عقد بیع شود؟ مگر بیع واقع و تمام نشده و مبیع به ملکیت خریدار درآمده است؛ و مگر نه این است که تلف هر مال باید از کیسه مالک آن باشد، پس چگونه است که در عرض ما فروشنده بدون هیچ افعال و تقصیری باید زیان این تلف را به دوش کشد؟ این چه عدالتی است که امین را ضامن می‌داند و در حکم غاصبان می‌آورد؟ پس، داوری نخستین این است که حکم خلاف قاعده و عدالت است و باید از اجرای آن در موارد مشابه (مانند تلف مورد اجاره پیش از تسلیم) رهیز کرد.

ولی، تحلیل این قاعده نتیجه دیگری را القا می‌کند. در برابر این سؤال که آیا قصد مشترک خریدار و فروشنده مبادله مبیع و ثمن را آفریده یا دو تملیک جداگانه و مستقل را؟ بی‌گمان پاسخ این است که هر دو به مبادله نظر داشته‌اند. همچنین اگر سیده شود که آیا دو طرف معامله می‌کنند تا به مالکیت مجرد عوض متقابل بپردازند یا هدف نهایی و مطلوب این است که بر آن عوض دست یابند و از منافع مورد انتظار بهره‌برند؟ پاسخ این سؤال نیز نااندرک تأمل این است که هدف تملیک نظری نیست و تسلیم یا امکان تسلط بر عوض نیز باید مهم آن به‌شمار آید. به همین جهت، «تعهد به تسلیم» در کنار تملیک در زمره آثار بیع آمده و به‌عنوان تسلیم برای طرف دیگر قرارداد خیاری فسخ به‌وجود می‌آورد.

اکنون، پرسشی دشوارتر مطرح می‌شود: آیا در چنین وضعی که امکان دست یافتن به عوض از دست رفته، یعنی یکی از دو کفه مبادله پیش از کمال آن از بین رفته است، آیا عوض دیگر به جای خود بازمی‌گردد یا معاوضه همچنان انجام شده محسوب است؟ این‌بار، چون سؤال پیچیده و مرکب است، پاسخ نیز بی‌تردید نیست. درستی هر پاسخی که داده شود نیاز به آزمونی دوباره دارد: پاسخ منطقی‌تر این است که، پیروی از قصد مشترک یا محرک اصلی دو طرف ایجاب می‌کند که زندگی و حرکت دو عوض تا اجرای کامل قرارداد با هم باشد و جدا شدن پاره‌ای از آن سبب انحلال دیگری شود. منتها، تردید در این می‌شود که آیا همبستگی دو عوض

در زمان عقد وجود دارد یا تا اجرای کامل آن باقی است. به همین جهت، گفته شد که باید پاسخ را به محک دیگری آرمود و به صحت آن اطمینان یافت.

در این مرحله، چنان که در کتاب نیز آمده (ش ۴۳۴)، بهترین محک استقراء و تجربه است. باید دید آیا قانونگذار اثر تلف یکی از دو عوض را پیش از تسلیم قاعده تلقی کرده است یا استثناء؟ اگر اجرای حکم انفساخ عقد به اندازه‌ای تکرار شده باشد که از آن «قاعده» استنباط شود، دیگر تردید روانیست و باید تحلیل و ترکیب و نتیجه آن را درست بدانیم و خواهیم دید که ما نیز این نتیجه رسیده‌ایم (ش ۴۳۹). زیرا، دیدیم که حکم در تلف ثمن و عقد اجاره و قرض و ... و غیره نیز اعمال شده است.

ممکن است سیوه ای بتوان برای تعیین زمان انتقال موصی به و مالک آن در فاصله مرگ موصی و قبول موصی به کار برد و دانشجویان را در مسیر موضوع و تألیف راه حل های جزئی و آزمودن نتیجه قرار داد. خود آموزه اجتهاد در وقایع تازه شوند.

کتاب درس نیز باید نمونه های فراوانی از این شیوه را ارائه کند و راهنمای تحقیق باشد. تحلیل موضوع به فصل ها و مباحث ها و گفتارهای مربوط به هم و نشان دادن شیوه این تقسیم و ارتباط موضوع های جزئی و نتیجه تحلیل، نمونه هایی است که اگر به درستی ارائه شود، راهنمای تحقیق آینده دانشجو قرار می گیرد.

۴. موضوع باید چنان تحلیل شود که طرح بحث هیچ فرعی بیش از یکی دو صفحه به درازا نکشد و هر فرع عنوان مستقل داشته باشد تا در هر نیازی ممتاز بیاید. مخلوط کردن مسائل، نه تنها بر پیچیدگی هر کدام می افزاید، مطلب هر عنوان را طه لانی و ملال آور می کند و فراگیری آن را دشوار می سازد. بی گمان به خاطر سپردن پنج ردی استراتژی حفظ قصیده ای ده بیتی است. نباید حافظه دانشجو را بیهوده فرسوده کرد، چرا که فشار بر حافظه از روی درک و فهم موضوع می کاهد. در انتقال معانی، به ویژه در حقوق، هدف این است که ذهن را می خواند جذب و حل کند نه انباشت.

۵. ارتباط منطقی عنوان های هر مبحث باید چنان منسجم باشد که دانشجو به هنگام خواندن آن ها را بسان پیچ و مهره های ماشینی در حال حرکت بباید که به سوی مقصدی معلوم می رود. پراکنده گویی ذهن را به پراکندگی می کشد و نظم در سخن به آن جهت می یخشد. خواندن نوشته ای یکدست و منسجم مانند راه رفتن در جاده ای هموار و کوتاه دلپذیر است که فرصت تماشا و تأمل را به مسافر می دهد، در حالی که گذشتن از سنگلاخی پرپیچ و خم و طولانی کاری است فرسایشی و خسته کننده.

وجود اوصافی که به اشاره از آن ها گذشتیم در هر کتاب کمال مطلوب است، ولی برای

دانشجویان ضرورتی ویژه دارد: محقق با تجربه رنج هر اضطراب را به جان می‌خورد و در جستجوی گم‌شده به هر ویرانه‌ای سر می‌زند، اما آن‌که در آغاز راهی ناشناخته است این شکیبایی را ندارد و سرخورده و دلزده باز می‌گردد یا به بیراهه می‌رود. وانگهی، کتاب درس نیاز به توضیحات و مثال‌هایی دارد که در رساله‌ای علمی زاید و بدیهی می‌نماید.

از سوی دیگر، حجم مطالب و پاره‌ای دقت‌ها که در کتابی عمومی طرح می‌شود چندان زیاد و پیچیده است که آه و فتن و فراگرفتن آن در دوره‌های آغازین تحصیل، اگر ناممکن نباشد، بسیار دشوار است و خود باعث دل‌سردی و نومیدی است. بیشتر استادانی که خواسته‌اند از کتابی عمومی برای تدریس آماده کنند، در کار خود توفیقی نداشته‌اند؛ یا ناچار شده‌اند که بخشی مهم از مطالب را به زبان تعلیمات دانشگاهی بران دیکته کنند یا جزوه‌های آماده را در اختیار آنان گذارند.

پس از انتشار بخش‌هایی از دوره حقوق مدنی، به رودی دریافتم که رساله‌ای بدین وسعت متناسب با دروس دانشکده‌های حقوق نیست و با وجود اقبالی که دانشجویان به آن داشته‌اند فرصت کافی برای خواندن و دنبال کردن مطالب آن را نداشته و گاه به دشواری می‌افتند. می‌دیدم که در رسیدن به هدف مطلب پایانی لنگ دارم و یا آنان را به گونه‌ای جبران کنم تا هم محققان مرجعی در اختیار داشته باشند و هم دانشجویان کتابی برای خود داشته‌اند. به ویژه هریار که اینان از کمبود کتاب‌های درس شکایت می‌کردند، آن نقص آزار می‌داد. منجم از این بود که اگر می‌خواستم خود بدین کار دست زنم از دنبال کردن دوره جامع باز می‌ماندم. بارها از بعضی دوستان محقق خواستم که یاریم کنند؛ سالیانی نیز به انتظار ماندم، ولی کسی حاضر نشد. کل پسندتر یا گرفتارتر از آن بودند که به چنین همکاری رغبت یابند. ناچار در اندک فراغتی که پیدا شد خود بدان پرداختم و شکرگزارم که اکنون بخش اعمال حقوقی را که در واقع خلاصه و کلیه حل‌های بر شش مجلد از دوره حقوق مدنی است تقدیم آموزش عالی می‌کنم و امیدوارم آنچه فراهم آمده مقبول افتد و دست کم پاره‌ای از اوصاف کتاب درس را داشته باشد.

تهران - چهاردهم بهمن ماه ۱۳۶۹

ناصر کاتوزیان